

## راهبردهای فقه امامیه در تضمین حق حریم خصوصی شهروندان

امیر کشتگر / دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

ک حسین جاویر / استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۳ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵

hjavar@ut.ac.ir

### چکیده

حریم خصوصی به عنوان محدوددهای امن از زندگی افراد که مصونیت از پایش، رهگیری و تعرض را می‌طلبد، نوعی نیاز فطری و دیرین محسوب می‌شود که امروزه در اثر توسعه تکنولوژی و قدرت ابزارهای ارتباطی، نگرانی‌ها درباره نقض آن رو به فزونی گذاشته است. بنابراین، در شرایط کنونی حمایت از حریم خصوصی و تضمین حق بر آن، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در پاسخ به این نگرانی‌ها، گفتمان ویژه‌ای در مطالعات حقوق و علوم اجتماعی به عنوان «حق بر حریم خصوصی» شکل گرفته است. نظام‌های حقوقی هر کدام رویکردهای خاصی در حمایت از حق مزبور اتخاذ کرده‌اند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که راهبردهای فقه امامیه در حمایت و تضمین این حق چگونه است؟. بررسی منابع و مبانی فقه امامیه نشان می‌دهد که این حق، از ابتدای تشریح احکام اسلامی، مورد اهتمام بوده و در چهار ساحت مورد حمایت قرار گرفته است. نخست، تدابیر بازدارنده (مشمول بر کنترل عوامل انگیزشی نقض حریم خصوصی و صدور احکام محدودکننده نقض)؛ دوم، حمایت در ضمن قواعد عمومی؛ سوم، تحریم و تجریم مصادیق نقض؛ چهارم، باره‌ای ضمانت اجراهای مناسب مقام. نوشتار حاضر ابعاد راهبردهای حمایتی یادشده را با رویکردی تحلیلی-توصیفی در فقه امامیه بررسی می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** حریم خصوصی؛ فقه امامیه؛ بازدارندگی؛ سیاست کیفری؛ ضمانت اجرا.

وجود حریمی مصون از هر نوع پایش، سرکشی و رهگیری دیگران، نوعی نیاز فطری یا طبیعی محسوب می‌شود که از دیرباز خواسته بشر بوده است. در نتیجه تحولات فرهنگی و تمدنی و ظهور فناوری‌های جدید ارتباطی، امروزه این نیاز نه تنها تعدیل نشده، بلکه به صورت یک دغدغه فراگیر درآمده است. پیشرفت روزافزون فناوری و سیر گسترده تحولات در ارتباطات انسانی، گستره حوزه خصوصی زندگی افراد را بیش از پیش به چالش کشیده و نگرانی‌ها و تنش‌های متعددی را در این باره پدید آورده است.

گفتمان ویژه «حق بر حریم خصوصی» (privacy Right) در مطالعات حقوق و علوم اجتماعی به نوعی در پاسخ به این چالش مهم شکل گرفته و توسعه یافته است. در این راستا، قانون‌گذاران بشری درصدد برآمدند تا با شناسایی حق حریم خصوصی شهروندان برای حمایت از آن چاره‌اندیشی کنند و با تدارک ضمانت اجراهای متناسب، ضمن مقابله جدی با تهدیدها، آرامش و آسایش عمومی را به‌رمغان آورند (آماده، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

با وجود نوپدید بودن تأسیس «حریم خصوصی» در ادبیات حقوقی جوامع غربی، قواعد و احکام متعددی که در آموزه‌های اسلامی جهت حمایت از حق مزبور تشریح شده، حاکی از قدمت آن در نظام حقوقی اسلام است. اگرچه در نصوص دینی، به دلیل نوپدید بودن این اصطلاح، نامی از حریم خصوصی به میان نیامده است، اما این مسئله حق جدیدی به شمار نمی‌رود و غنای حکمی موجود در این زمینه، امکان حمایت از این حق بنیادین را در ابعاد مختلف و گسترده فراهم آورده است (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

نتیجه بررسی‌های این نوشتار نشان می‌دهد که این حمایت، صرفاً در یک سلسله توصیه‌های اخلاقی در راستای احترام به حوزه خصوصی افراد منحصر نیست؛ بلکه الزامات محدودکننده حول نقض حریم خصوصی افراد را نیز شامل می‌شود. در این راستا می‌توان طیفی از راهبردها را در حمایت از حوزه خصوصی زندگی افراد مورد توجه قرار داد: نخست، احکامی که در جهت پیش‌گیری از نقض حریم خصوصی تشریح شده‌اند؛ دوم، مجموعه قواعد کلی که بر حرمت نقض حریم خصوصی دلالت می‌کنند؛ سوم، تحریم و جرم‌انگاری اقداماتی که به نقض حریم خصوصی افراد منجر می‌شوند؛ و نهایتاً احکامی که حاوی ضمانت اجراهای کافی برای نقض حریم خصوصی است. در ادامه، هر یک از این موارد بررسی می‌شوند.

## ۱. تضمین حریم خصوصی در فقه امامیه در پرتو «تدابیر بازدارنده از نقض»

بخش مهمی از راهبرد حمایتی فقه امامیه در صیانت از حق حریم خصوصی شهروندان، اتخاذ تدابیری جهت مقابله پیشگیرانه با عوامل مؤثر در نقض حوزه محرمانه زندگی افراد است. در واقع در آموزه‌های اسلامی تدابیری وجود دارد که با تحدید امکان ارتکاب اقدامات منافی حق حریم خصوصی، وقوع این بزه را بدون اینکه به تهدید کیفر یا

اجرای آن متوسل شود، با دشواری مواجه می‌سازد. در این رویکرد پیشگیرانه تلاش می‌شود در ساختار شخصیت فرد و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جامعه تحولات و اصلاحات بنیادین صورت گیرد تا از وقوع رفتارهایی که موجب نقض قلمرو خصوصی زندگی افراد می‌شوند، جلوگیری شود. این تدابیر ممکن است برای حمایت از حریم خصوصی فرد «در قبال اقدام همان فرد» یا «در قبال رفتار دیگران» باشد که هر یک جداگانه بررسی می‌شود.

## ۱-۱. تدابیر بازدارنده از نقض حریم خصوصی «خود» در فقه امامیه

از جمله مسائل اساسی قابل طرح در نظام حقوقی اسلام، امکان تصرف در حوزه حریم خصوصی با اسقاط یا نقل آن به دیگری است. این مسئله را می‌توان تحت این پرسش عنوان کرد که آیا می‌توان حق حریم خصوصی را از خود سلب و با رضایت به این اسقاط، زمینه دخالت و تصرف دیگران را در این حوزه فراهم نمود و از آنها سلب مسئولیت کرد؟ ممکن است طبق این مبنا که هرگونه تصمیم‌گیری درباره اطلاع، ورود و نظارت بر حریم خصوصی، منحصرأ «در اختیار صاحب حق» است و دسترسی دیگران به آن «تابع اذن» اوست (اسکندری، ۱۳۹۰، ص ۵۰-۵۱)، اراده و رضایت افراد تنها عامل تعیین‌کننده در نقض و تحدید حق حریم خصوصی محسوب شود. در اندیشه حقوقی اسلام پاسخ به این پرسش در چهارچوب مقوله «حق» و «حکم» یا «حق» و «تکلیف» امکان‌پذیر است. در بیان اوصاف و ویژگی‌های مفهوم «حق» اصطلاحی، آنچه مورد اتفاق فقهای امامیه قرار گرفته، قابلیت اسقاط آن است؛ تاجایی که گفته می‌شود: «أن لكل ذي حق إسقاط حقه» (اصفهانی، ۱۴۱۸ ق، ص ۵۱)؛ افزون بر این، نقل‌پذیری و اقتضای نقل، و قابلیت (اقتضای) انتقال، ویژگی دیگری است که برای «حق» شمرده می‌شود (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶-۲۷؛ حسینی، ۱۳۸۷، ص ۸۴). در مقابل، «حکم» خطابی شرعی از جانب شارع است که به افعال مکلفین تعلق می‌گیرد و بارزترین مشخصه آن، عدم امکان اسقاط است (همان: ۱۵۹) و جز به امتثال حکم یا از بین رفتن موضوع حکم، ساقط نمی‌شود. با این توضیح می‌توان نتیجه گرفت که تلقی حریم خصوصی بر مبنای هر یک از این دو مبنا، آثار حقوقی مختلفی را به دنبال دارد. تلقی حریم خصوصی به‌مثابه حق اصطلاحی اقتضا می‌کند کسی نتواند بدون اذن به حوزه خصوصی افراد وارد شود و پس از اذن هم مانع دیگری وجود نداشته باشد. این درحالی است که با بررسی ادله شرعی می‌توان دریافت که ورود به حریم خصوصی دیگران در مواردی حتی با کسب اجازه از صاحب حق نیز مورد نهی شارع مقدس است (سروش، ۱۳۹۳، ص ۸۳)؛ چنان‌که نگاه به نامحرم با وجود پوشش نامناسب فرد، حرام محسوب می‌شود؛ به این معنا که اگر کسی با پوشش نامناسب، به نقض حریم جسمی خود توسط دیگران رضایت دهد، این امر مجوز نگاه به او نیست. یا در خصوص غیبت مُحَرَّم که یکی از اسباب نقض حریم خصوصی در مرحله نشراطلاعات خصوصی است، «رضایت قبلی غیبت‌شونده» باعث ایجاد تغییر در حکم حرمت نمی‌شود؛ زیرا این‌گونه نیست که هر آنچه از آن با عنوان حق یاد می‌شود، قابل اسقاط

هم باشد؛ و حق مرتبط با حیثیت افراد از این جمله است؛ زیرا فاش کردن چیزی که در زمره زشتی‌ها و گناهان محسوب می‌شود، به بی‌آبرویی و بی‌احترامی منجر می‌شود و خدای متعال آن را پوشیده داشته است؛ حتی برای صاحب حق هم جایز نیست. پس این قبیل حقوق با رضایت قابل اسقاط نیست و استعمال واژه حق در این موارد، جنبه مسامحی دارد (اصفهانی، ۱۴۱۸، ص ۵۰؛ قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۸۳؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۳). در مورد عدم اعتبار رضایت فرد بر هتک حرمت و حیثیتش در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوَضَّ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلَالَ نَفْسِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۱۵۷)؛ به این معنا که خداوند متعال نه تنها اختیار به ذلت کشیدن را به افراد نداده، بلکه از موجبات آن نهی کرده است.

حتی در قلمرو «حدود» که بسیار مورد اهتمام قرار گرفته، به شخص مرتکب اکیداً توصیه شده است که توبه را بر افشای اسرار خود مقدم بدارد. برای مثال، در مورد اقرار به گناهی که در قلمروی محرمانه رخ می‌دهد نیز احکام و توصیه‌هایی بیان شده است که از رویکرد اولیة اسلام در عدم افشای گناهان حکایت می‌کند. از جمله این توصیه‌ها، توبه از گناهی است که افشا نشده‌اند. احادیث متعددی در منابع روایی وجود دارند که بر ترجیح توبه بر اقرار در مورد گناهان پوشیده از خلق، دلالت دارند. بررسی این احادیث نشان می‌دهد در مورد افرادی که قصد اقرار به عملی منافی عفت داشته و خواهان اجرای حدود در حق خود بوده‌اند، سیره مستمر معصومین علیهم السلام بر تغافل و انصراف دادن ایشان از اقرار مبتنی بوده است (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۴۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰، ص ۳۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۵، ص ۲۶۷؛ شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۸، ص ۳۶). در یکی از این احادیث نقل شده است که فردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و به زنا اعتراف کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله در هر مرتبه از اقرار، روی از او برمی‌تافت و حتی بعد از اقرار سوم، با طرح سؤالی سعی در انصراف او داشت؛ اما با اقرار چهارم، حکم حد او را صادر کرد و بعد از اجرای مجازات نیز فرمودند: اگر گناهش را مستور می‌داشت و توبه می‌کرد، برای او بهتر بود (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۸۵). بنابراین در نظام حقوقی اسلام باید به جنبه مهم‌تری از ماهیت حریم خصوصی، که همان «حکم» است، توجه کرد.

با توجه به آثار و احکام مترتب بر دو مبنای فوق، باز این پرسش مطرح می‌شود که نقش اراده و رضایت فرد در تحدید و نقض حریم خصوصی‌اش چه میزان است؟ در پاسخ، با استناد به لسان ادله‌ای که در این‌باره وارد شده است، باید گفت که ماهیت حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلام، هر دو جنبه یاد شده را داراست؛ به این معنا که در مواردی فرد می‌تواند حریم خصوصی خود را اسقاط کرده، یا به دیگری منتقل کند و در مواردی نیز به دلیل ابتدای موضوع حریم خصوصی بر الزامات شرعی، چنین امری منتفی است. در واقع، جنبه‌هایی از حریم خصوصی که با حیثیت معنوی و کرامت انسانی مرتبط‌اند، از آنجا که در قلمرو «حکم» تعریف می‌شوند، نمی‌توانند متعلق اراده انشایی افراد قرار گیرند؛ اما جنبه‌ای از حریم خصوصی که با حیثیت معنوی اشخاص مرتبط نیست و دارای ارزش تجاری و مبادله‌ای است، مانعی در نقل و اسقاط آن نیست (قنواتی، جاوَر، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

## ۱-۲. تدابیر بازدارنده از نقض حریم خصوصی «دیگری» در فقه امامیه

### ۱-۲-۱. بازدارندگی در پرتو کنترل «عوامل انگیزشی موجد نقض»

با توجه به وجود گرایش‌های منفی در کنار گرایش به خیر و ضرورت جلوگیری از سرکشی و خروج امیال از عقل (خسروپناه، ۱۳۹۶، ص ۲۹۹) و امکان تعدیل امیال در پرتو آموزه‌های تربیتی و آراستگی به فضایل اخلاقی (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۷۵) و نظر به اینکه بسیاری از توصیه‌ها و دستورات اخلاقی که در قرآن و روایات خطاب به انسان مطرح شده‌اند، جنبه پیشگیرانه دارند و التزام به آنها از ظهور رفتارهای ناپسند جلوگیری می‌کند (سیحانی، ۱۳۹۷، ص ۲۶)، کنترل عوامل درونی مؤثر در نقض حریم خصوصی افراد، تا حدود زیادی از امکان ارتکاب چنین رفتاری می‌کاهد. لازم است به مهم‌ترین توصیه‌های مرتبط با بحث اشاره شود.

**الف) منع از سوءظن:** از جمله عوامل درونی تأثیرگذار بر تجسس از حوزه خصوصی افراد، انگیزه‌های ناشی از «سوءظن و بدگمانی» است. در واقع، اگر تجسس را تلاش برای کسب اطلاع از امور پنهان افراد بدانیم، در برخی موارد بدگمانی به دیگران، فرد را به این اقدام ناپسند وامی‌دارد. این در حالی است که در نصوص شرعی، از این حالت روانی نهی و به حسن ظن دعوت شده است. در آیه ۱۲ سوره حجرات، خداوند متعال پیش از نهی از تجسس، مؤمنین را به اجتناب از سوءظن فرمان می‌دهد. برخی از مفسرین در تفسیر این آیه معتقدند که آنچه شارع مقدس نهی کرده است، خودِ ظن نیست؛ زیرا ظن، نوعی ادراک نفسانی است که در قلمرو کنترل اراده افراد عادی قرار ندارد تا متعلق حکم شرعی واقع شود؛ بلکه منظور از نهی، «ترتیب اثر دادن به سوءظن» است؛ مثل اینکه شخص به توهین یا انتشار مطالب ظنی مبادرت کند (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۳۲۳). به علاوه، تجسس و تحقیق نیز از جمله رفتارهایی است که در اختیار انسان است و به حکم این آیه نهی شده است (احمدی میانجی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱).

**ب) منع از عیب‌جویی و تمسخر:** تعقیب عیوب یا استهزای دیگران، یکی دیگر از عوامل نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود که به دلیل استقرار حالات نفسانی‌ای چون کینه‌ورزی، حسادت و تکبر، در رفتار افراد بروز می‌کند. در آیه ۱۱ سوره حجرات نیز از جست و جوی عیوب دیگران و استهزای آنان نهی شده است؛ چراکه علت استهزا و تمسخر، از حس خودبرتربینی و کبر و غرور ناشی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۷۹). بی‌تردید رسوخ این صفت در افراد، زمینه بسیاری از تعرض‌ها و تنش‌ها محسوب می‌شود که از جمله آن، تلاش برای به‌دست آوردن داده‌های لازم به‌منظور تمسخر و عیب‌جویی است که در پرتو تجسس و پایش زندگی خصوصی و رهگیری ارتباطات وی به‌دست می‌آید. بنابراین، این قبیل از ممنوعیت‌ها و التزام به آن، در عمل می‌تواند زمینه نقض حریم خصوصی و افشای داده‌های محرمانه را از بین ببرد.

**ج) ممنوعیت نظارت بر احوال خصوصی و استراق بصر:** استراق بصر و تلاش برای اشراف بر قلمرو محرمانه دیگران نیز در شمار عوامل ناقض حریم خصوصی افراد قلمداد می‌شود. از جمله این موارد، نگاه به نامحرم و

چشم‌چرانی است. در بیان علت درونی ارتکاب این رفتار مذموم، می‌توان به طغیان تمایلات شهوانی اشاره کرد. در آیه ۳۲ سوره احزاب، از این حالت روحی به «مرض» تعبیر شده است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۴۶۱). به‌علاوه، این گناه زمینه ارتکاب برخی معاصی دیگر و مقدمه آنها به‌شمار می‌رود که از جمله ممکن است ازدیاد انگیزه انسان به چنین رفتاری، منجر به میل انسان به تجسس و کسب اطلاع از وضعیت افراد و در نتیجه نقض حریم خصوصی جسمانی، مکانی و ارتباطی اشخاص در قلمرو امور جنسی و جسمی شود.

بنابراین، محترم شمردن این قبیل محرمات، به‌طور طبیعی برخی از زمینه‌های مهم نقض حریم خصوصی را از بین می‌برد و نوبت به نقض حریم خصوصی و اعمال ضمانت‌اجراهای مربوط نمی‌رسد (رشادتی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۳).

## ۲-۱-۲ بازدارندگی در پرتو «تشریح قواعد اجتماعی کنترل‌کننده»

در نظام اجتماعی اسلام، احکام و قواعد متعددی جهت تنظیم روابط عادلانه وجود دارند که اعمال آنها در روابط اجتماعی موجب پیشگیری از بسیاری از مداخلات و تعارضات نامشروع و تأمین حقوق فردی و اجتماعی آحاد شهروندان می‌شود. قاعده صحت افعال افراد، از جمله قواعد مهم فقهی است که آثار حقوقی مهمی بر آن مترتب می‌شود. در تبیین قاعده اصل صحت باید متذکر شد که این قاعده در معانی گوناگونی استعمال شده است: گاهی به‌معنای «جواز تکلیفی» و گاهی به‌مفهوم «وضعی» به کار رفته است. در کاربرد نخست به این معناست که در هنگام تردید در حرمت و حلیت رفتار دیگری، باید بنا را بر جواز و حلیت تکلیفی نهاد؛ به این معنا که باید آثار و نتایج فعل صحیح را بر فعل مشکوک مترتب کرد و آن عمل را تا زمانی که شاهدهی برخلاف آن یافت نشده است، صحیح و مشروع در نظر گرفت (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ق، ص ۱۴۵). اصل صحت در معنای دوم، در مقابل «فساد» قرار دارد و حکمی وضعی قلمداد می‌شود. در تبیین تفاوت میان معنای دوم و معنای نخست باید اشاره کرد که اصل صحت در معنای تکلیفی، بیشتر ناظر به محتوای اخلاقی و روانی است، درحالی‌که در معنای وضعی، نتایج عملی و عینی بر آن مترتب می‌شود (محقق داماد، ج ۱، ص ۱۹۸).

در خصوص مستند شرعی قاعده یاد شده، به آیه ۱۲ سوره حجرات استناد شده است؛ همچنین می‌توان به این حدیث از حضرت علی علیه السلام استناد کرد که فرموده‌اند: «کار برادر دینی خود را به بهترین گونه حمل کن؛ مگر اینکه دلیل یافت شود که تو را از آن بازدارد؛ و هرگز درباره سخنی که از زبان برادرت خارج می‌شود، سوءظن نداشته باش؛ مادامی که تو برای آن گفته، محملی صحیح و معنای خوبی پیدا کنی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۲). البته تعدادی از فقها دلیل اصلی بر مشروعیت اصل صحت را حکم مستقل عقل معرفی کرده‌اند. برای نمونه، شیخ انصاری با استناد به ادله و وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در امور مسلمین، بر مشروعیت اصل صحت در جمیع امور اقتصادی و اجتماعی استدلال کرده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ق، ج ۲، ص ۷۲۱).

به‌هرحال، از آنجا که منشأ برخی از تجسس‌ها و پایش‌ها در قلمرو زندگی خصوصی، بدگمانی و حمل رفتارهای دیگران بر وجه غیر مثبت است، جریان اصل صحت در روابط اجتماعی، منشأ عوامل انگیزشی را که در بحث قبلی اشاره شد، از بین می‌برد. در حقیقت، مفاد اصل صحت و التزام به آن می‌تواند در جلب اعتماد عمومی نقش ایفا کند و از بسیاری تعرضات نابجا و مداخلات نامشروع پیشگیری نماید؛ در واقع، با اینکه برخی فقها مفاد قاعده صحت را به‌گونه‌ای اخلاقی و فردی تفسیر کرده‌اند، اِعمال این قاعده به‌عنوان اصل اولی در روابط اجتماعی می‌تواند از بسیاری از مناسبات ناسالم اجتماعی، مبتنی بر بدبینی و سوءظن، ممانعت کند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۵) و به‌نوعی واجد اثر پیشگیرانه است.

### ۳-۲-۱. بازدارندگی در پرتو سیاست کیفری مبتنی بر بزه‌پوشی

اهتمام اسلام به حمایت از حریم خصوصی در حوزه سیاست‌های کیفری باعث شده است که اثبات برخی جرایم مرتبط با حیثیت و عرض افراد، از احکامی تبعیت کند که از تحدید حریم خصوصی افراد در مرحله اثبات و انتشار رفتار ارتكابی ممانعت به عمل می‌آورد.

«شهادت»، از جمله ادله اثبات جرایم در حقوق کیفری اسلام است. فراهم شدن نصابی مشخص و لزوم احراز ویژگی‌ها و صفاتی نظیر عدالت، ایمان، عقل، حلال‌زادگی و انتفای تهمت و ذی‌نفعی در شهود، از جمله شرایطی است که به امر شهادت اعتبار می‌بخشد (حلی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۰۷). در صورتی که موضوع شهادت، جرایم منافی عفت همچون زنا باشد و شرایط اعتبار شهادت (همچون نصاب شرعی) مراعات نشود، حد قذف بر شهود جاری می‌گردد (شهیدثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۵۴). لزوم احراز شرایط پیچیده و سخت‌گیرانه در اثبات برخی جرایم و اِعمال مجازات قذف در صورت عدم رعایت نصاب معین شده در شریعت مقدس، از عوامل پیشگیرانه از نقض و تهدید حریم خصوصی افراد در سیاست کیفری اسلام شمرده می‌شود.

لازم به ذکر است که محدودیت‌های شرعی در خصوص کشف جرایم و گناهان پنهانی در سیاست‌های کیفری جمهوری اسلامی نیز انعکاس خاصی یافته است. این موضوع تا حد زیادی از صدور فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی<sup>ع</sup> در ابتدای انقلاب اسلامی ناشی می‌شود. در بند ششم از این فرمان، از رویه‌های نادرستی که به‌موجب آن، مقامات قضایی و پلیسی بتوانند به‌نام کشف جرم یا ارتكاب گناه، دیگران را تحت تعقیب یا مراقبت قرار دهند، پرهیز داده شده است. همچنین در قسمت دیگری از این فرمان بیان شده است، حتی در مواردی که لازم است برای دفع توطئه‌ها و مخاطرات علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، مداخلاتی صورت پذیرد، چنانچه اشتهاً با ورود به خانه و محل کار دیگری، گناهانی کشف شود، حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و سکنه آن وجود ندارد و باید به نهی از منکر زبانی بسنده کرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۴۱). دیدگاه فقهی یاد شده موجب شده است که در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران، سیاست جنایی مناسبی حول کشف و تعقیب جرایم ارتكابی در خلوت با محوریت جرایم منافی عفت ایجاد شود (آقابایی، ۱۳۹۶، ص ۲۵۵).

## ۲. تضمین حریم خصوصی در فقه امامیه در پرتو «قواعد کلی»

قواعد حقوقی متعددی وجود دارند که در امر استنباط حق بر حریم خصوصی، قلمرو و احکام آن، قابل استفاده‌اند. با لحاظ این قواعد، حق بر حریم خصوصی به‌مثابه یک حق مستقل، قابل شناسایی و حمایت است. در ادامه این نوشتار، به‌قواعدی اشاره می‌گردد که عمومیت و شمولیت آنها باعث می‌شود ابعاد حمایت از حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلام به‌مثابه یک حق مستقل شناسایی و حمایت شود.

### ۲-۱. قاعده فقهی «احترام»

مصونیت شئون فردی و اجتماعی افراد، در ابعاد مادی و معنوی، موضوع دسته‌ای از روایات قرار گرفته که از مجموعه آنها، قاعده‌ای تحت عنوان «احترام» استنباط و اصطیاد شده است. از جمله این روایات می‌توان به این موارد اشاره کرد: «ولایح ل مؤمن مال أخیه الا عن طیب نفسه» و «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» و «سباب المؤمن فسوق و قتاله كفر و أكل لحمه معصية و حرمة ماله كحرمة دمه» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۳۰۹). به‌موجب این روایات، «اموال»، «حقوق مالی»، «حقوق غیر مالی» و «جان»، «حیثیت معنوی» و به‌طور خلاصه، کلیه شئون اشخاص، در قلمرو احترام قرار می‌گیرند و شایسته احترام‌اند (قنوتی، جاور، ۱۳۹۰، ص ۳۶-۳۷). البته آنچه بیشتر شایع است، استعمال این واژه با پسوند مال یا اموال است؛ بنابراین شکی نیست که اموال و حقوق مالی در قلمرو موضوعی قاعده احترام قرار می‌گیرد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۰۶؛ ابن ابی‌جمهور، ج ۱، ص ۲۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۰۷) اما بی‌تردید، قاعده یاد شده علاوه بر شئون مادی و حمایت از حقوق مالکانه افراد، می‌تواند مبنایی برای حمایت از حیثیت معنوی قرار گیرد و آن را از مبانی متقن و مهم حمایت از حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلام دانست. در اثبات شمول قاعده «احترام» بر حیثیات معنوی، می‌توان گفت که احترام به مال و عمل افراد در روایات یاد شده خصوصیتی ندارد؛ یعنی می‌توان با الغای خصوصیت از آنها، موارد دیگر نظیر عرض و آبروی افراد را مشمول قاعده احترام تلقی کرد. همچنین به قیاس اولویت نیز تعمیم قاعده «احترام» بر حیثیات معنوی افراد اثبات می‌شود (قنوتی، جاور، ۱۳۹۰، ص ۴۰)؛ چراکه دین مبین اسلام در تأمین مصالح بشر و نجات وی از فساد و تباهی، حرمت آبروی افراد را با اهمیت‌تر از حرمت جان و مال ایشان می‌داند (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۷ ق، ص ۳۴۱).

در نتیجه، همه جنبه‌های مادی و معنوی مرتبط با حریم خصوصی، بالمطابق، در قلمرو شمول قاعده «احترام» قرار می‌گیرد و البته در ضمان ناشی از نقض حریم خصوصی نیز قابل استناد است (قنوتی، جاور، ۱۳۹۰، ص ۴۳).

### ۲-۲. قاعده فقهی «عدم الوالیه»

در آموزه‌های اسلامی، انسان مخلوقی آزاد از سلطه و استیلای دیگران دانسته شده است که جز خداوند یا شخص مأذون از جانب او، حق ولایت و سرپرستی بر او را ندارد. بر این اساس، مقدرات هر کس به دست خودش است



(موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۴۱) و کسی نمی‌تواند دیگری را مقهور اراده خود گرداند (کعبی، ۱۳۹۴، ص ۹۸). گروهی از محققان بر این نظرند که آنچه در مورد متعلقات اشخاص، اعم از مال و غیر مال، موضوع حرمت قرار گرفته است، نفس مال یا غیر آن نیست؛ بلکه «سلطه اشخاص» است که مثلاً موضوع حرمت تعرض و نقض قرار گرفته؛ و نتیجه آن، لحاظ دو حیثیت در ناحیه حرمت نقض است: یکی از جهت خود متعلق (مثل مال یا حیثیت معنوی)؛ و دیگری سلطه و اقتداری که برای شخص نسبت به این حیثیت وجود دارد؛ و رفتار ناقض حق، به نوعی هر دو حیثیت را هدف قرار داده است (خمینی، ۱۴۲۸، ص ۲۴۸؛ اصفهانی، ۱۴۰۹، ص ۹۶؛ صدر، ۱۴۲۰، ق، ج ۳، ص ۲۹۱).

از آنجاکه مراحل و مراتبی از نقض حریم خصوصی، مشتمل بر پایش، گردآوری داده‌های فردی، پردازش و نشر آن، به نوعی تصرف در شؤون زندگی دیگران به‌شمار می‌رود، به مقتضای قاعده اولیه عقلایی عدم ولایت، این امر خلاف شرع است (منتظری، ۱۴۰۹، ق، ج ۲، ص ۵۳۹)؛ بنابراین در مورد حق بر حریم خصوصی، اصل بر عدم جواز نقض خواهد بود و مادامی که دلیلی برای خروج از مقتضای اصل وجود نداشته باشد، حریم خصوصی افراد محترم است و هرگونه عملی منافی حوزه شخصی زندگی افراد، ممنوع است.

توجه به این اصل و قلمرو اعمال آن در حریم خصوصی، علاوه بر اینکه در مقام تردید در امکان نقض حریم خصوصی قابل استناد است، به دلیل قوت دلالت و اهمیتی که دارد، بر برخی دلایل دیگر نیز مقدم می‌شود و در حقیقت، با جریان این اصل، موضوع برخی احکام با محدودیت مواجه می‌شود و به نوعی حرمت حریم خصوصی و ممنوعیت نقض آن، قید موضوع احکامی نظیر وجوب امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. تعلق حکم وجوب شرعی در اینجا، با ملاحظه حرمت تجسس و سوءظن است (قیاسی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۸)؛ در واقع می‌توان گفت، مجموعه ادله نقلی که بر حرمت تجسس، سوءظن و تعقیب عیوب دیگران دلالت دارند، بر ادله امر به معروف و نهی از منکر «حاکم» هستند (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۹۸). توضیح بیشتر اینکه تا ترک معروف و ارتکاب منکری آشکار نباشد، نمی‌توان وارد حوزه امر به معروف و نهی از منکر شد؛ و اعمالی مورد امر و نهی قرار می‌گیرد که در منظر عموم باشد یا اینکه آثار آن به جامعه سرایت کند (کعبی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۷۷).

بنابراین، مستند به قاعده عدم ولایت، مداخله در امور خصوصی دیگران مستلزم آن است که مداخله‌کننده، از حق، سلطه و اختیاری نسبت به دیگری برخوردار باشد و کسی که ادعا می‌کند درباره دیگران از اختیار ویژه‌ای برخوردار است، باید دلیل اقامه کند؛ وگرنه مطابق این اصل، ادعای او مردود است (سروش، ۱۳۹۳، ص ۹۶-۹۷).

### ۳-۲. قاعده فقهی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»

«ضرر» مفهومی است عرفی و در مقابل «نفع» استعمال شده است (خالصی، ۱۴۱۵، ص ۱۲؛ صدر، ۱۴۲۰، ص ۱۳۸) و «زیان معنوی» نیز در اثر هجمه به کرامت انسانی و شرف و اعتبار و آبروی اشخاص یا عاطفه و احساسات آنها به‌بار می‌نشیند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۴۱۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۴۱۶؛ صفایی، ۱۳۵۵، ص ۲۲۱). گرچه ممکن

است در شمول قاعدهٔ لاضرر بر زیان‌های معنوی تردید شود، اما با بررسی برخی مستندات اصل لاضرر، می‌توان گفت که خسارت معنوی نیز داخل در مدلول قاعده است. دقت در مقتضای صدورگونهٔ روایات اثبات‌کنندهٔ قاعدهٔ لاضرر (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۲۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۸، ص ۱۰۶۸)، مؤید این ادعاست که مفهوم «ضرر» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۲۹۲)، تنها ضرر معنوی است؛ هرچند دلالت آنها، اعم از ضرر مادی و معنوی است. افزون بر این، ضرر از مفاهیم عرفی است و نمی‌توان برای آن حقیقت شرعیه‌ای متصور بود (شاهرودی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۶۳) و ادعان برخی فقیهان (نابینی، ۱۳۳۳، ص ۱۹۸) به شمول عنوان ضرر بر خسارات وارد بر حیثیات و مصالح معنوی، مؤید این مدعاست. بنابراین می‌توان قاعدهٔ لاضرر را نیز یکی از مبانی فقهی حمایت از حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلام دانست (قنوتی، جاور، صالحی کرهرودی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷).

#### ۴-۲. قاعدهٔ فقهی «حفظ نظام»

در آثار فقهی، معانی مختلفی از جمله «سامان بخشیدن زندگی و معیشت مردم» (نابینی، ۱۴۲۴ ق، ص ۳۹-۴۰)، «کیان کشور اسلامی و مسلمین» (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۳۲۷)، «حکومت یا رژیم سیاسی موجود»، «نظام اسلامی» و «یکی از خرده‌نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی» از واژهٔ «نظام» قصد شده است (ملک‌افضلی اردکانی، ۱۳۹۶، ص ۳۹-۵۱). این مضمون از چنان اهمیتی در نظام حقوقی اسلام برخوردار است که می‌توان آن را به‌عنوان یک قاعدهٔ مستقل بررسی کرد. اهتمام فقها به این مبنا را نیز باید در اهدافی جست که اسلام برای تأمین سعادت جوامع انسانی لازم می‌داند؛ چراکه از لوازم دستیابی به جامعه‌ای سالم و پویا، حفظ زندگی اجتماعی از هرج‌ومرج و تشتت است. با اینکه از ادلهٔ نقلی مؤیدات متعددی در مشروعیت این قاعده قابل استناد است، لکن دلیل عقل را باید اصلی‌ترین مستند قاعدهٔ حفظ نظام دانست؛ زیرا نیل به زندگی مطلوب در دنیا و رشد و تکامل مادی و معنوی، جز در سایهٔ حفظ نظام معیشت جامعه و تنظیم روابط اجتماعی میسر نیست (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۹). برخی فقها در استدلال‌های خود دربارهٔ احکام فرعی فقهی، ضمن اشاره به اینکه اخلال در نظام اجتماعی در زمرهٔ مفاسد بزرگ محسوب می‌شود، به این قاعده به‌عنوان عامل محدودکننده و رافع حکم وجوب، استناد کرده‌اند. برای مثال، در توجیه «عدم جواز تمسک به اقدام قهری برای انجام فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر»، وجوب حفظ نظام و اجتناب از هرج‌ومرج را دلیل حکم خود قرار داده‌اند (منتظری، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲۶۸).

بر این اساس می‌توان قاعدهٔ حفظ نظام را مبانی «مشروعیت و صیانت از حریم خصوصی» قلمداد کرد؛ با این توضیح که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در انتظام بخشیدن به زندگی جمعی نقش بسزایی دارد، «امنیت روانی در پرتو مصونیت از تعرض به محرمانگی‌های افراد» است. اخلال در این باره نیز به حسب خود، مفاسدی را به‌دنبال دارد. در واقع، امکان انجام مداخلات خودسرانه در حوزهٔ خصوصی زندگی افراد، با مفاد قاعدهٔ حفظ نظام در تعارض است؛ زیرا تحصیل

محتوای قلمرو محرمانه زندگی افراد و همچنین اشاعه و انتشار اطلاعات خصوصی آنها، امنیت روانی را مخدوش می‌کند و در نتیجه، تزلزل در روابط اجتماعی را در پی دارد. در حقیقت، مداخله خودسرانه در حریم خصوصی افراد و انتشار اطلاعات محرمانه زندگی ایشان، مستقیماً نظم عمومی جامعه را از حیث اخلاقی، فرهنگی و عفت عمومی - که در اصطلاح حقوقی «اخلاق حسنه» خوانده می‌شود - خدشه‌دار می‌کند (اکبری بابوکانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹).

### ۳. تضمین حریم خصوصی در فقه امامیه در پرتو «تحریم عوامل نقض»

مهم‌ترین بخش از راهبرد نظام فقه امامیه در صیانت از قلمرو خصوصی افراد، تحریم رفتارهایی است که موجب مداخله نامشروع است. در ادامه، این موضوع در دو فصل بررسی می‌شود.

#### ۳-۱. تحریم نقض حریم خصوصی در ساحت «تحصیل اطلاعات»

##### ۳-۱-۱. حرمت تجسس از حریم خصوصی

«تجسس» در لغت به معنای تفتیش از بواطن امور، تفحص از عورات دیگران (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۶ ص ۳۸) و در پی به دست آوردن اخبار دیگران برآمدن، به کار رفته است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۹). برخی آن را مرادف «تجسس» دانسته و برخی میان این دو کلمه فرق گذاشته و گفته‌اند: تجسس با انگیزه شر انجام می‌پذیرد و تجسس خبرجویی به انگیزه خیر است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ ق، ج ۷، ص ۲۸۵). تفتیش و تجسس از عیوب و اسرار دیگران، در آیات و روایات متعددی ممنوع اعلام شده است. در آیه ۱۲ سوره حجرات، پس از نهی از سوءظن، تجسس در احوال مردم منع شده است. این ممنوعیت، در روایات متعددی نیز مورد تأکید معصومین علیهم‌السلام قرار گرفته است.

تجسس، از آن جهت به حریم خصوصی مربوط است که موضوع آن نوعاً امور پنهانی و محرمانه افراد است و می‌توان گفت که در پرتو این آیه، حفظ حریم مردم و نگهداری اسرار آنان واجب شمرده شده و تجسس از مسائل درونی زندگانی و رفتار پنهانی آنان حرام است (منتظری، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۲۹۹)؛ همچنین تعقیب معاصی پنهان و تجسس از آن نیز جایز نیست (همان، ج ۳، ص ۴۳۵).

##### ۳-۱-۲. حرمت استراق سمع و بصر

در لغت، «استراق» به دزدیده کاری کردن، معنا شده است (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۷). «استراق سمع» به معنای گوش دادن مخفیانه به سخن دیگری (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۹) و «استراق بصر» نیز زیر نظر گرفتن دیگری به صورت مخفیانه است. ممکن است مکالمات، مکاتبات و انحصار ارتباطات و اطلاعات فرد، از طریق استراق سمع و نظارت پنهانی، پایش و رهگیری شود.

برخی آیات قرآن کریم زنان و مردان را از چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود برحذر داشته است (نور: ۳۰ و ۳۱).

همچنین آیاتی که از ورود بدون استیذان به منزل و استراحتگاه افراد (حریم خصوصی مکانی) منع می‌کند، در این زمینه قابل استناد است. در احادیث روایت شده از معصومین علیهم‌السلام نیز برای مضامین تأکید شده است؛ چنان‌که در برخی جوامع حدیثی، ذیل بابی با عنوان «حرمت نگاه به زنان نامحرم و موهای آنان»، تلاش برای سرک کشیدن به منازل دیگران و تعقیب عیوب ایشان مذمت شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۱۹۵). فقهای معظم نیز در موارد متعددی حکم به عدم جواز نگاه مخفیانه به حوزه خصوصی دیگران را صادر کرده‌اند؛ تاجایی که گفته شده است، اگر کسی بر نگاه پنهانی به قلمرو خصوصی دیگران اصرار داشته باشد، دفع او جایز است و اگر دفع مزاحم موجب وارد آمدن خسارتی بر او شود، ضمانی بر عهده مهاجم نیست (موسوی خمینی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۴۹۱؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۳۵۲؛ حرعاملی، ۱۴۲۷ ق، ج ۹، ص ۴۳۶).

شنود پنهانی مکالمات دیگران نیز حکم استرق بصر را دارد. در روایات وارده درباره حریم خصوصی ارتباطاتی افراد آمده است: «اگر کسی به سخنان و مکالمات دیگران بدون رضایت ایشان گوش سپارد، در قیامت در گوش او سرب گذاخته ریخته می‌شود» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۴۵۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷، ص ۹۸). این مضمون نیز به صراحت بر قیج این اقدام دلالت دارد.

## ۲-۳. تحریم نقض حریم خصوصی در ساحت «انتشار اطلاعات»

### ۱-۲-۳. حرمت افشای سرّ و آشکار کردن امور پنهانی افراد

«سرّ» در لغت به معنای آن چیزی است که کتمان می‌گردد (جوهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۸۱) و از دیگران پنهان داشته می‌شود (ابن منظور، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۵۶). افشای سرّ نیز به معنای علنی ساختن امور مکتومی است که با آشکار شدن آن، آبروی افراد در معرض تهدید قرار می‌گیرد یا به آنان آزار می‌رساند.

آشکار ساختن عیوب یا برملا ساختن مسائل پنهانی دیگران که مصداق بارز نقض حریم خصوصی است، در مضامین روایی به خیانت در امانت تعبیر شده است (واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۴۶). این رفتار، از آن روی مذموم است که از منظر اسلام، آبرو و عرض افراد از احترام زیادی برخوردار است؛ تا آنجا که شأن مؤمن و مقام او، از برخی مقدسات، همچون کعبه نیز با ارزش‌تر معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۲۷). بر این اساس، در آموزه‌های اسلامی توصیه شده است که در صورت آگاهی از مسائل خصوصی دیگران، افراد به حفظ آبرو و عدم تعرض به حیثیت معنوی ایشان مکلف شده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۲۰).

اقدام به علنی کردن اسرار و عیوب دیگران، گاهی تحت عناوین دیگری نیز تحریم شده است. برای نمونه، وقتی موضوع افشای امور پنهانی دیگران، گناه کبیره و اعمال منافی عفت باشد، این کار مصداق اشاعه فحشاست که در آیه ۱۹ سوره نور، مرتکب آن مستحق عذاب دنیوی و اخروی دانسته شده است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل شده

است: «باری تعالی افرادی را به دلیل بیان اسرار و انتشار آن سرزنش می‌کند؛ تا آنجاکه می‌فرماید: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَدَّعُوا بِهِ» (نساء: ۸۳) سپس فرمود: اسرار را فاش نسازید». مفاسدی که اشاعه فحشا برای فرهنگ عمومی به دنبال دارد، باعث شده است که حتی با وجود رضایت مرتکب گناه کبیره، حکم حرمت آن تغییر نکند.

## ۲-۲-۳. حرمت غیبت

غیبت و تجسس، هر دو نوعی عیب‌جویی‌اند و از این جهت از مصادیق نقض حریم خصوصی به شمار می‌آیند؛ لکن در تجسس، عیب برای تجسس‌کننده آشکار می‌گردد و در غیبت برای دیگران فاش می‌شود (جعفری، ۱۳۹۶، ص ۳۲۶). غیبت در شمار ردائیل اخلاقی است و به‌موجب آن امکان دارد برخی اطلاعات محرمانه افراد منتشر شود. در تبیین منای غیبت، از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «غیبت آن است که درباره برادر خود چیزی را نقل کنی که خداوند آن را پنهان داشته باشد» (علامه مجلسی، بی‌تا، ج ۷۲، ص ۲۵۸). با توجه به اینکه موضوع حریم خصوصی احوال محرمانه‌ای است که فرد به اعلان آن رضایت ندارد، به‌وضوح می‌توان نسبت نقض حریم خصوصی و غیبت را دریافت. فقها به اتفاق و با استناد به ادله اربعه، غیبت را حرام می‌دانند (انصاری، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۵۸). در استدلال به حرمت این گناه کبیره، به آیه ۱۲ سوره حجرات استناد می‌شود. تمثیل غیبت به خوردن گوشت برادر مؤمن، بیانگر کبیره بودن این گناه و تأکید جدی است که بر اجتناب از آن وجود دارد (شاهرودی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۱۸۵). از مجموع آنچه گفته شد، چنین برداشت می‌شود که سیاست کیفری اسلام در تحریم رفتارهای موجب نقض حریم خصوصی، علاوه بر اقداماتی که در راستای اطلاع از امور خصوصی افراد انجام می‌گیرد، شامل منتشر ساختن لغزش‌ها و عیوب افراد نیز می‌شود. با اینکه در این مجال به بررسی ادله حرمت غیبت و افشای سر بسنده شد، می‌توان به رفتارهای دیگری هم که شارع مقدس با تحریم آنها حمایت از حریم خصوصی را تقویت کرده است، اشاره کرد؛ مانند حرمت عناوینی چون سب، کذب، نمیمه (حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۱۴۴) و قذف (بصری بحرانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۲۲) که هر یک به‌گونه‌ای موجب افشای اطلاعات خصوصی افراد است.

## ۴. تضمین حریم خصوصی افراد در فقه امامیه در پرتو «تعیین ضمانت اجرای متناسب»

حقوق‌دانان در تعریف مفهوم «ضمانت اجرا» آن را عکس‌العمل قانونی دانسته‌اند که در قبال تخلف از یک دستور قانونی مطرح می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ص ۵۵۱). به بیان دیگر، به منظور حصول اطمینان از اجرایی شدن قواعد و مقررات حقوقی، تدابیری لازم است که به‌موجب آن واکنش مناسبی در صورت تخطی از چهارچوب‌ها و هنجارهای حقوقی اعمال شود. از همین رو پیش‌بینی کیفر متناسب، برای برخورد با افراد خاطی، به منظور تضمین حریم خصوصی افراد، امری اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. در این زمینه، پرسش قابل طرح این

است که در صورت تخطی از حکم تکلیفی حرمت نقض حریم خصوصی، آیا می‌توان متخلف را واجد مسئولیت کیفری دانست یا خیر؟ به بیان دیگر، مفاد ادله شرعی که بر حرمت نقض حریم خصوصی دلالت دارند، تنها بر حکم تکلیفی حرمت حکم می‌کند یا علاوه بر آن بر حکم وضعی ضمان نیز دلالتی دارند؟

حول ماهیت حکم وضعی و کیفیت استنباط آن، اختلاف دیدگاه‌هایی در نزد اصولیون مطرح است. عده‌ای همچون شیخ انصاری بر این عقیده‌اند که حکم وضعی از حکم تکلیفی انتزاع می‌شود؛ به این معنا که شارع مقدس اولاً و بالذات، به جعل حکم تکلیفی اقدام می‌کند و ثانیاً و بالعرض از آن حکم تکلیفی، حکم وضعی انتزاع می‌شود (سمیعی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۲۵۵-۲۵۶). بر اساس این نظر، می‌توان از حکم حرمت نقض حریم خصوصی، ضمان فرد نقض‌کننده حریم خصوصی را انتزاع کرد و حسب مورد، او را واجد مسئولیت مدنی یا کیفری دانست. در مقابل این نظر، برخی اعتقاد دارند که حکم وضعی، به صورت استقلالی از ناحیه شارع وضع شده است و بین حکم وضعی و تکلیفی ملازمه‌ای برقرار نیست. به موجب این نظر، ضامن دانستن ناقض حریم خصوصی به عنوان یک حکم وضعی، قابل انتزاع از حکم تکلیفی نیست و مستلزم جعل مستقل از ناحیه شارع است. بر این اساس، برخی از احکام وضعیه را شرع مقدس جعل کرده است و برخی هم از جانب عقلا جعل می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۶۲). به نظر می‌رسد که مبتنی بر دیدگاه دوم نیز می‌توان به مسؤل بودن ناقض حریم خصوصی اعتقاد داشت؛ زیرا عقلا بعد از آنکه به حرمت نقض حریم خصوصی حکم می‌کنند، فرد متعرض به قلمرو محرمانه زندگی افراد راضامن می‌دانند.

علاوه بر استدلال فوق، از مفاد برخی قواعد کلی، چون قاعده احترام - که پیش‌تر بررسی شدند - می‌توان حکم وضعی را استنباط کرد؛ چنان که برخی فقها معتقدند به موجب این قاعده نمی‌توان برای حقوق دیگران، اعم از حقوق مادی و معنوی، ایجاد مزاحمت کرد و در صورت تعرض، متعرض باید خسارت را جبران کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۱۸). در خصوص قاعده لاضرر نیز این امر صادق است. در توجیه این دیدگاه گفته می‌شود که اعتقاد به «عدم ضمان فرد ناقض حریم خصوصی»، خود یک حکم ضرری است و چون قاعده لاضرر هرگونه حکم ضرری را نفی می‌کند، شخص متعرض به حقوق دیگران ضامن محسوب می‌شود (قنواتی، جاور، صالحی کرهرودی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۱؛ محقق داماد، ۱۳۸۵، ص ۲۲۷).

این ضوابط فقهی و اصولی که مثبت ضمان فرد ناقض حریم خصوصی است، در آرای فقها نیز در قالب کیفرهای سخت‌گیرانه‌ای انعکاس پیدا کرده که خود نشانگر اهتمام نظام حقوقی اسلام بر ایمن‌سازی حوزه خصوصی زندگی افراد از تعرض متمدین است؛ از جمله در اقوال فقها مشهور است که منع و دفع کسی که در پی کسب اطلاع از امور خصوصی دیگران است، جایز می‌باشد و در صورت وارد آمدن جنایتی بر او، ضمانتی بر عهده مهاجم نیست (شهیدثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۳۵۲). امام خمینی ره در این باره می‌گوید: «کسی که در پی اطلاع از عیوب قومی باشد تا به آنچه که از ایشان برای او حرام است، نظر اندازد، پس آنها حق دارند که او را منع کرده و از

او جلوگیری کنند؛ بلکه دفع او واجب است؛ و اگر از این کار منصرف نشد، دفع او با زدن و مانند آن جایز است. اگر باز هم منصرف نشد، می‌توانند با سنگ‌ریزه یا غیر آن، حتی با پرتاب چیزهایی که کشنده است، او را دفع کنند؛ و اگر جنایتی بر او وارد شود، خون او هدر می‌باشد» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۱).

## نتیجه‌گیری

مصونیت حریم خصوصی شهروندان از تعرض و پایش اغیار، علاوه بر اینکه اعتبار عقلایی محسوب می‌شود که پیوسته در جوامع انسانی محترم بوده، در شریعت مقدس اسلامی در مراتب مختلف مورد حمایت واقع شده است. در مقام تبیین تدابیر سنت فقهی در تضمین حق یاد شده، اجمالاً می‌توان چهار بُعد را بررسی کرد. بُعد نخست، مجموعه راهبردهایی است که از نقض حریم خصوصی شهروندان پیشگیری کند. این راهبردها، هم شامل تدابیر بازدارنده از نقض حریم خصوصی «خود» می‌شود و هم تدابیر بازدارنده از نقض حریم خصوصی «دیگری» را دربرمی‌گیرد. در مورد نخست، «حکم‌نگاری» برخی مصادیق نقض حریم خصوصی در شریعت مقدس، مانع از تأثیر اراده انشایی فرد برای رفع وصف محرمانگی می‌شود. مورد دوم نیز شامل ایجاد اصلاحات بنیادین در ساختار شخصیتی افراد با طرح دستورات اخلاقی گوناگون، تشریح احکام اجتماعی کنترل‌کننده و نهایتاً سیاست بزه‌پوشی و رویکرد سخت‌گیرانه در اثبات جرایم منافی عفت می‌گردد. بُعد دوم از راهبرد فقه امامیه در حمایت از حریم خصوصی افراد، مجموعه قواعد کلی است که با تمسک به عموم آنها می‌توان ممنوعیت نقض حریم خصوصی شهروندان را استنباط کرد. قواعد فقهی نظیر احترام، لاضرر، عدم ولایت و حفظ نظام، در زمره این قواعد هستند. علاوه بر این عموماً، در بُعد سوم، تحریم اقداماتی که به نقض حریم خصوصی می‌انجامد، حمایت از حق یاد شده را در فقه امامیه تقویت کرده است. ممنوعیت و حرمت تجسس، استراق بصر، شنود پنهانی، افشای اسرار و کلیه رفتارهایی که موجب تحصیل و انتشار اطلاعات خصوصی شهروندان می‌شوند، برخی از این مصادیق به‌شمار می‌آیند. نهایتاً بُعد چهارم حمایت از حق حریم خصوصی در فقه امامیه، شامل تعیین کیفر و عکس‌العمل قانونی در مقابل ناقضین به قلمرو خصوصی زندگی شهروندان است.

منابع

- آقابابایی، حسین، ۱۳۹۶، *حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. آماده، مهدی، ۱۳۹۵، *حمایت از حریم خصوصی*، تهران، نشر دادگستر.
- ابن ابی جههور، محمدبن علی، ۱۴۰۵ ق، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، قم، دار سید الشهداء للنشر. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- احمدی میانجی، میرزا علی، ۱۳۹۳، *اطلاعات و تحقیقات در اسلام*، چ سوم، تهران، دادگستر.
- اسکندری، مصطفی، ۱۳۹۰، *حکومت اسلامی و حریم خصوصی*، قم، پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام.
- اصفهان‌ای، محمد حسین کمپانی، ۱۴۱۸ ق، *رساله فی تحقیق الحق و الحکم*، قم، أنوار الهدی.
- انصاری، سید مرتضی، ۱۴۱۱، *المکاسب المحرمه*، قم، منشورات دارالذخائر.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۶ ق، *فرائد الأصول*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- بروجردی، آقا حسین، ۱۳۸۶، *جامع احادیث الشیعہ*، تهران، فرهنگ سبز.
- بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی*، چ دوم، تهران، نشر اسلامی.
- بصری بحرانی، زین‌الدین، ۱۴۱۳ ق، *کلمه التقوی*، چ سوم، قم، سید جواد وداعی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۵، *دانشنامه حقوقی*، چ چهارم تهران، گنج دانش.
- جعفری، علی، ۱۳۹۶، *بررسی فقهی حقوقی ماهیت و مبانی حریم خصوصی اطلاعات*، قم، پژوهشگاه باقرالعلوم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، بی تا، *اصحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعہ*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی، عبدالرحیم، ۱۳۸۷، *رساله‌ای در باب حق و حکم*، تهران، نشر بین‌الملل.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ ق، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حلی، جمال‌الدین، ۱۴۰۷ ق، *فی شرح المختصر النافع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۶، *منظومه فکری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای*، چ سوم، تهران، فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رشادتی، جعفر، ۱۳۹۰، *پیش‌گیری از جرم در قرآن کریم*، تهران، پیام راشده.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۹۷، *سیمای انسان کامل در قرآن*، چ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- سروش، محمد، ۱۳۹۳، *مبانی حریم خصوصی بر اساس منابع اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سمیعی، جمشید، ۱۳۸۷، *ترجمه متن و شرح کامل رسائل شیخ انصاری*، چ چهارم، اصفهان، خاتم الانبیاء.
- شاهرودی، سید محمود، ۱۴۱۷ ق، *مقالات فقهیه*، بیروت، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۶ ق، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- شریعتی، روح‌الله، ۱۳۸۷، *قواعد فقه سیاسی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۰ ق، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، قم، کتابفروشی داوری.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۲۰ ق، *ماوراء‌الفقه*، بیروت، دارالاضواء للطباعة و النشر.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۰ ق، *قاعده لاضرر و لاضرار*، قم، داراصادقین للطباعة و النشر.
- صفایی، حسین، ۱۳۵۵، *مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی*، تهران، مرکز تحقیقات.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.



- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۷ق، *تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق، *تهذیب الأحکام*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- علامه مجلسی، محمد باقر، بی تا، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا.
- علی اکبری بابوکانی، احسان، ۱۳۹۱، *تجسس از حریم خصوصی افراد در فقه امامیه*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۶، *قواعد فقه (بخش حقوق خصوصی)*، تهران، انتشارات سمت.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ ق، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی.
- قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران.
- قزوینی، سید علی موسوی، ۱۴۳۴ ق، *ینایع الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، قم، دفتر نشر اسلامی.
- قنوتی، جلیل، جاور، حسین، ۱۳۹۰، «حریم خصوصی؛ حق یا حکم»، *حقوق اسلامی*، ش ۳۱، ص ۷-۳۳.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، «مبنای احترام در شناسایی و حمایت از حریم خصوصی در حوزه ارتباطات»، *حقوق اسلامی*، ش ۲۹، ص ۳۳-۶۰.
- قنوتی، جلیل؛ جاور، حسین، صالحی کرهرودی، شاهرخ، میان کنش قاعده لاضرر و حریم خصوصی خانواده، *مطالعات حقوقی*، ش ۲، ص ۱۲۵-۱۵۳.
- قیاسی، سید جلال الدین، ۱۳۸۶، *مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کعبی، عباسعلی، ۱۳۹۴، *تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *کافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دارالحدیث.
- محسنی، فرید، ۱۳۸۹، *حریم خصوصی اطلاعات*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۵، *قواعد فقه*، چ چهاردهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۸۸، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۰، *القواعد الفقهیه*، چ سوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۱ ق، *الأمن فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۷ ق، *دائرة المعارف فقه مقارن*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- ملک افزلی اردکانی، محسن، ۱۳۹۶، *قاعده حفظ نظام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ملکی اصفهانی، مجتبی، ۱۳۷۹، *فرهنگ اصطلاحات اصول*، قم، نشر عالمه.
- منتظری نجفآبادی، حسینعلی، ۱۴۰۹ ق، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، قم، مؤسسه کیهان.
- موسوی بجنوردی، محمد، ۱۴۰۱ ق، *قواعد فقهیه*، چ سوم، تهران، مؤسسه عروج.
- موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۵ ق، *المکاسب المحرمه*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۵ ق، *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ناینی، محمدحسین، ۱۴۲۴ ق، *تنبیہ الأمه و تنزیه المله*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.